

مجید نعمتی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۱۲/۲۴

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۲/۱۷

چکیده

زبان انگلیسی و ترجمه از این زبان، به عنوان جزء لاینفک جامعه ایران و زبان فارسی درآمده است. کثرت و گستردگی ترجمه سبب شده تا زبان فارسی آماج آسیب‌ها و صدمات متعدد و گوناگونی گردد. مقاله حاضر به دو موضوع توجه دارد: یکی آن‌که آسیب‌شناسی زبان فارسی باید از حد واژگان که معمولاً بحث رایج محافل است، فراتر رفته و واحدهای مهم‌تر و بزرگ‌تری همچون عبارات و جملات نیز مد نظر قرار گیرد. مسئله دیگر آن‌که تعامل با زبان انگلیسی، لزوماً موجب تخریب زبان فارسی نخواهد شد، بلکه اگر از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی زبان انگلیسی توسط مترجمان زبردست بهره برده شود، می‌تواند حتی در غنابخشی به زبان فارسی مفید واقع شود و این همان چیزی است که ادیبان و شعرای ما با زبان عربی انجام داده‌اند. در هر یک از این زمینه‌ها مثال‌هایی از مطبوعات رایج کشور ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، انگلیسی، مطبوعات، فارسی، صنایع ادبی.

شکرشکن ششوند همسه طوطیسان هــــنــــد
زیمن قنسد پارسسی کسه بهه بنگالسه مــــی رود

استفاده گسترده از زبان انگلیسی پدیده جدیدی نیست و محدود به کشور ایران نیز نمی شود. بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و سوئد نیز نگران این مسئله اند که به عبارتی حاکی از غیر قابل اجتناب بودن کاربری زبان انگلیسی به ویژه در زمینه های علمی و فنی است.

آنچه سبب نگرانی واقعی است اثرات منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی به واسطه عدم کفایت مترجمان ضعیف است. همانگونه که می دانید، ترجمه روندی است که در طی آن مترجم مفاهیم را از قالب زبان مبدأ خارج کرده و در قالب زبان مقصد مورد نظر ارائه می دهد (رابرتس، ۲۰۰۲). بنابراین تعریف، در هر ترجمه، دو نوع خطا و اشتباه امکان پذیر است: خطای دریافت مفهوم از زبان مبدأ و خطای ادای مفهوم در زبان مقصد.

خطای نوع اول هنگامی رخ می دهد که مترجم نتواند مفهوم درست را از قالب زبان مبدأ دریابد. چنین اشتباهاتی، چه کوچک و چه بزرگ، باعث شرمندگی مترجم خواهد شد، زیرا نشان دهنده ضعف تسلط مترجم بر زبان مبدأ است.

برای نمونه دو مورد از خطاهای نوع اول را به عنوان مثال در اینجا ذکر می کنیم. چند سال پیش، کتابی توسط انتشارات یکی از دانشگاه های معتبر ایران در زمینه کامپیوتر به چاپ رسید که به علت وجود اشتباهاتی مضحک، موجب اعتراض جمعی از استادان این رشته گردید. از جمله اشتباهات فاحش کتاب، یکی این بود که جنس دیسک سخت کامپیوتر را سیلیکون ذکر کرده بود. با مراجعه به متن اصلی مشخص شد که در دیسک سخت از سیلیکون استفاده نمی شود، بلکه محل ساخت آن مکان مشهوری موسوم به Silicon Valley واقع در ایالات متحده است. در مورد دیگری یکی از مجلات خانوادگی ضمن نگارش مقاله ای درباره رژیم لاغری، خوردن گاو لاغر را توصیه می کرد که در حقیقت منظور آن ها Lean Beef یا گوشت بی چربی بوده است. به هر حال از این گونه موارد در مطبوعات و رسانه های ما فراوان به چشم می خورد که به این مترجمان توصیه می نمایم که به فراگیری بیشتر و بهتر زبان انگلیسی بپردازند و تا آن موقع از چاپ و انتشار ترجمه خود خودداری کنند، زیرا «تا قبل از آشنایی کافی با زبان مبدأ نمی توان و نباید به کار ترجمه پرداخت» (رشیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

اما توجه اصلی این گفتار به اشتباهات ناشی از مرحله دوم ترجمه است یعنی زمانی که مترجم مفهوم را به درستی از زبان انگلیسی دریافته و اینک می خواهد آن را به صورت زبان فارسی ارائه دهد. تأثیرات منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی بیشتر از همین جا شروع می شود، زیرا تنها تکلم به زبان فارسی «به کسی تسلط و مهارت کافی در زبان مادری نمی بخشد» (پازارگادی، ۱۳۶۲، ص ۲).

هجوم واژه های بیگانه

این اثرات در لایه های مختلفی همچون واژگان، ساختار و بافت متن (رشیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹) مشاهده می شود. اولین و سطحی ترین لایه نفوذ زبان انگلیسی در زبان فارسی، در سطوح واژگان است. البته مسئله به آن سادگی که بعضی ها تصور می کنند و بلافاصله توصیه می نمایند که از معادل های فارسی استفاده شود، نیست. زبان انگلیسی امروزه دارای موقعیتی جهانی است که این موقعیت را به واسطه ادبیات و متون گسترده ای که در زمینه های علمی و فنی به این زبان نوشته شده، به دست آورده است. اقیانوسی از کلمات تخصصی انگلیسی که در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می گیرد، مترجمان را آن چنان گیج و بلا تکلیف می کند که هیچ گونه رویه مشخص و واحدی در ترجمه ها دیده نمی شود. به عنوان مثال می توان از اصطلاحات مربوط به کامپیوتر، یا به قول بعضی ها رایانه، نام برد.

بسیاری از این اصطلاحات به فارسی ترجمه و به خوبی هم مورد قبول بیشتر کاربران واقع شده اند، از قبیل سخت افزار، نرم افزار، صفحه کلید و مانند آن. اما تعداد کلماتی که به صورت انگلیسی آن مورد استفاده قرار می گیرند، بسیار بیشترند و هنوز تفاهمی بین مترجمان درباره کلماتی از قبیل، Internet, RAM, Click, Mouse Mat و ... وجود ندارد. آیا لازم است که این کلمات و اصطلاحات نیز معادل یابی شوند؟ آیا به راستی ما در تمامی این سال ها با استفاده از اصطلاحات پزشکی نظیر اسامی داروها و بیماری ها به زبان انگلیسی به زبان و فرهنگ فارسی خیانت کرده ایم؟ مگر نه این است که هنوز هم پزشکان ما نسخه ها را به زبان و خط لاتین می نویسند؟ شاید نظر دکتر صفارزاده جای تعمق بیشتری داشته باشد که می گوید: واژه های بیگانه به ضرورت وارد زبان می شوند. پذیرش پاره ای از آن ها که نماینده و یا نام یک ابزار صنعتی مثل سینما، رادیو، تلویزیون، تلفن و غیره است، اجتناب ناپذیر است. همچنین وقتی این اشیاء را وارد کشور می کنیم عباراتی که کاربرد آن ها را نشان می دهد نیز باید عیناً وارد شوند (صفارزاده، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

به هر حال اگر هم قرار است این کلمات و اصطلاحات ترجمه شوند، باید افراد مسئول و در رأس آنها فرهنگستانها (و نه مترجمان به صورت انفرادی و موردی) با حالتی غیر انفعالی به شناسایی کلماتی که احتمال کاربری وسیع در جامعه دارند، پرداخته و معادل آنها را، قبل از جا افتادن، معرفی و جایگزین نمایند وگرنه اگر قرار است بعد از نیم قرن به دنبال تغییر واژه هلیکوپتر و آن هم به صورت مردد و به صورت چند گزینه‌ای (بالگرد - چرخبال - بالگردان) عمل کنیم یقیناً جز ناکامی، سردرگمی و اختلال در روند ارتباط زبانی، چیزی عاید مردم نخواهد شد. مجدداً تأکید می‌کنم، در چنین مواردی اثرات منفی کلماتی که به صورت کلیشه‌ای و به تقلید از قالب و ساختار اولیه توسط مترجمان ناشی ساخته و تجویز می‌گردند، بیشتر از استفاده از اصل کلمات است. به مثال زیر توجه کنید:

ویروس جدید کامپیوتری

یک ویروس جدید کامپیوتری که از طریق اتصالات پست اکسپرس به کامپیوتر منتقل می‌شود، می‌تواند فایل‌های کامپیوتری شخصی «پی. سی» را با واژه مایکروسافت پاک کند.

به گزارش واحد مرکزی خبر واژه حامل ویروس به نام «مزامح» وارد کامپیوتر شده و عمدتاً از طریق اتصالات پست اکسپرس منتشر می‌شود. به محض باز شدن بسته پستی، ویروس بر واژه فایل عادی دارای پسوند اثر می‌گذارد و همه فایل‌ها و زیرفهرست روی دیسک سخت (سی) را پاک می‌کند. با استفاده از فرمان (اچ. تی. تی. پی) روی محل بافت (ضد ویروس) گام این ویروس از بین می‌برد.

(پیام آشنا، شماره ۳۵، ص ۷)

سر درگمی مترجم متن فوق که آلبومی از اشتباهات نوع اول و دوم است، به خوبی هویداست. وی کلماتی همچون کامپیوتر، ویروس، دیسک و فایل را به صورت انگلیسی آنها حفظ کرده ولی کلماتی چون زیرفهرست و حتی اسامی خاص واژه (Word) و مزامح (؟) را ترجمه کرده است. یافتن اشتباهات جالب نوع اول را نیز به خوانندگان فاضل این نوشتار واگذار می‌کنم.

ضعف مترجمان

وفاداری بی‌مورد به ساختار انگلیسی کلمات و عبارات از دیگر آفت‌های ترجمه به حساب می‌آید. کلمات بسیاری، همان‌گونه که در زبان انگلیسی شکل یافته‌اند، وارد زبان فارسی شده که نه تنها ساختار لغوی زبان انگلیسی را وارد زبان فارسی کرده‌اند، بلکه فاقد هر گونه ارزش زیبایی‌شناختی نیز هستند که در نهایت متن ترجمه شده قدرت جذب خواننده را از دست خواهد داد. مثلاً همین رشته خودمان که بعضی‌ها آن را «زبان‌شناسی کاربرده» که مطابق با Applied Linguistics است ترجمه می‌کنند و شخصاً با اعتراض کسانی روبرو شده‌ام که استفاده از اصطلاح دلنشین‌تر «زبان‌شناسی کاربردی» را به خاطر عدم تطابق با ساختار انگلیسی آن جرمی غیر قابل بخشش می‌دانند. یقیناً انتخاب معادل جذاب و سلیس نقش مهمی را در حل معضلات ترجمه بازی می‌کند.

گاهی اوقات نیز معادل زیبایی برای یک کلمه پیدا می‌شود، ولی متأسفانه باز هم به علت کج‌سلیقگی بعضی از مترجمان، همان معادل را برای دیگر معانی آن کلمه، بدون در نظر گرفتن معنای متن نیز به کار می‌برند و کار به جایی می‌رسد که اگر چنانچه مترجمی از آن معادل استفاده نکرده و کلمه دیگری را جایگزین آن کند، مورد اعتراض دیگران واقع می‌شود. نمونه بارز چنین موردی کلمه چالش به عنوان معادل Challenge است. اگر چه کلمه چالش بسیار زیباست، ولی جای شک نیست که در بسیاری از متون لازم است به جای چالش از کلماتی نظیر مقابله، مبارزه، درگیری، مناقشه و کلماتی مشابه آن استفاده نمود.

هراس واهی از تعامل با زبان‌های دیگر

به یاد داشته باشیم که زبان فارسی تنها زبان فردوسی نیست، بلکه زبان شیرین سعدی و حافظ شیرازی نیز هست که زمانی توسط سیه چشمان کشمیری زمزمه و شهد و شکر آن توسط ترکان سمرقندی زمزمه می‌شده است. نکته جالب آن‌که سبک عراقی در شعر ایران شاهد این مدعاست که به‌کارگیری لغات غیر فارسی اگر توسط افراد زبده و با آگاهی و بینش به کارگرفته شوند، نه تنها آسیبی به زبان نمی‌رساند، بلکه به آن غنای بیشتری نیز می‌بخشد. شاید شعری از لسان‌الغیب بهترین شاهد این مدعا باشد:

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه	انی رایست دهرراً من هجرک القیامه
دارم من از فراقش در دیده، صد علامت	لیست دموع عینی هذا لنا العلامه
هر چند کازمودم، از وی نبود سودم	من جرب المجرب حلت به الندامه
پرسیدم از طیبی احوال دوست، گفتا	فی بعد ها عذاب فی قربها السلامه

گفتم ملامت آید، گر گرد دوست گردم و الله مارا اینا حباً بلا ملامه
حافظ چو طالب آمد جامی، به جان شیرین حتی یذوق منه کاساً من الکرامه

برخلاف این شعر که با وجود کلمات غیر فارسی فراوان بسیار جذاب است، امروزه شاهدیم که تحت نام صیانت از زبان فارسی، با کج سلیقه‌گی کلمات مهجور و یا خلق الساعه‌ای به کار گرفته می‌شود که هدف اصلی زبان را که همانا برقراری ارتباط بین گوینده و مخاطب است، مختل می‌سازد.

شاید بین مطبوعات ما کمتر مجله و روزنامه‌ای به اندازه «گل آقا» به کاربرد درست زبان فارسی اهمیت می‌دهد و عجیب آن‌که نویسندگان فرهیخته‌این نشریه طنزپرداز با روند تصنعی به اصطلاح پالایش زبان فارسی مخالفت می‌کنند. متن زیر شاهدهی بر این مدعا است.

به مناسبت افتتاح فاز یک پالایشگاه زبان فارسی!

غرق شدن در کلمات زبان خارجی، لطمات زیادی به زبان شیرین فارسی زده است. بهتر است از کلماتی استفاده کنیم که تا حد امکان پارسی باشند.

مثال: در این کتاب مشکل فهم، نوشته شده که سی نفر از ساکنان صحرا بر اثر انفجار کپسول گاز مجروح شدند.

یعنی: در این کاغذ نبشت پر برگ دشخوار انباشت، نگاریده‌اند که سی کس از باشندگان خشک بوم خارزار وحش اندر آن، به زخمه فرا پراکنش سخت پوسته آتشنا در میان، لت و پارینه گردیدند.
فارسی را پاس بدارید. مرسی!

(«گل آقا»، تابستان، ۱۳۷۸)

بنابراین، آنچه که موجب نگرانی است آن است که متأسفانه به نظر می‌رسد به خاطر پرهیز از کلمات خارجی، وارد مرحله‌ای می‌شویم که به جای زبان فارسی به معنای زبانی که ادبیات ما به آن زبان نوشته شده، دارای زبانی بینابینی^۱ می‌شویم که نه فارسی است و نه انگلیسی. مسئله فراگیر شدن کلمات اختصاری^۲ به ویژه در محیط‌های نظامی مثل ناجا، نرجا و سماجا نیز به این بحران دامن می‌زند. باید اثرات مثبت و یا منفی چنین کلماتی نیز به صورت علمی و مستدل توسط زبان‌شناسان مورد بررسی قرار گیرند.

از حد واژگان که فراتر رویم و به ترکیب کلمات برسیم باز هم ردپای تقلید ناشیانه از ساختارهای انگلیسی را خواهیم دید. ترکیباتی از قبیل «رییس جمهور خاتمی» که شاید اگر نفوذ زبان انگلیسی نبود احتمالاً به صورت «بدل» یعنی «آقای خاتمی، رییس جمهور» که رایج‌تر و طبیعی‌تر است استفاده می‌شد.

اگر حیطه زبانی مورد بحث خود را باز هم فراتر ببریم و به سطح جمله برسیم، خواهیم دید که حتی ساختار جملات فارسی ما نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. به عنوان مثال کارکرد جملات مجهول در زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر متفاوت‌اند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰). از نظر کمیت باید گفت که جملات مجهول در زبان انگلیسی پذیرفته شده و در بعضی از متون از جمله متون خبری و علمی کاملاً رایج‌اند و حال آن‌که ما در زبان فارسی جملات معلوم را ترجیح می‌دهیم و جملات مجهول آن‌چنان مقبول نمی‌باشند. از نظر نوع ساختار نیز به این دو جمله توجه کنید:

- شیشه شکسته شد.

- شیشه را شکستند.

اگر وارد منزل شوید و با شیشه شکسته پنجره روبرو شوید، انتظار شنیدن کدامیک از این دو جمله را دارید و یا در مثالی دیگر امروزه روزنامه‌ها از اصطلاح «گفته شده است» (It is said) زیاد استفاده می‌کنند که حالت مجهولی داشته و ترجمه ساختاری جمله از زبان انگلیسی به زبان فارسی است. در ادبیات اصیل فارسی ما برای چنین مواردی از گویند یا می‌گویند استفاده می‌کنند.

از دیگر مواردی که بسیار آزار دهنده است، تیتراهای ناهنجار بعضی از مطبوعات است، که به تقلید از مطبوعات خارجی نوشته می‌شود و در حقیقت ارتباط جملات با یکدیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به این مثال توجه بفرمائید:

دیروز شد

همانگونه که قبلاً نیز گفته شده چنین تیرهایی ضمن این که ممکن است از نظر دستوری دارای اشکال باشند، مهم‌تر از آن فاقد زیبایی و جذابیت‌اند که در نهایت در جذب خوانندگان جوان به سوی مطبوعات ناموفق بوده و الگوهای زبانی نه چندان خوشایندی را به آن‌ها ارائه خواهد کرد. فراموش نکنیم که مترجمی همچون ذبیح‌الله منصوری، با وجود ترجمه‌های مسئله‌دار، خود صرفاً به یمن قلمی شیوا نسل جوان دهه ۱۳۶۰ را با کتاب و کتاب خوانی آشتی داد. به راستی که «درد ترجمه در کشور ما عمدتاً درد فارسی ندانی است» (خزایی‌فر، ۱۳۷۱، ص ۹۵).

فراتر از جمله

از حد کلمات، عبارت و جمله که بگذریم و به واحدهای بزرگتر زبان و کلام، نظیر بند یا پاراگراف برسیم، اثرات منفی زبان انگلیسی ناشی از تنبلی ژورنالیستی بیشتر هویدا و آشکار می‌شود. اگر نگاهی به مجلات عامه‌پسند و خانوادگی بیاندازید، شاهد پرسشنامه‌های متنوع روانشناسی از همه نوع خواهید بود که در ترجمه آن‌ها رعایت اصلی از اصول اولیه ترجمه صورت نگرفته است. خطاهای نوع اول و دوم به وفور وجود داشته و کمترین ارتباطی بین جملات رعایت نمی‌شود. به این نمونه نگاه کنید:

والدین شما پس از مدت‌ها تصمیم می‌گیرند با شما راه آمده، مقدار پولی را که نیاز دارید در اختیارتان بگذارند تا اتاق خوابتان را به میل خود تزیین کنید. با عجله بیرون آمده:

الف - یک دست کامل روتختی و ملافه به رنگی که دوست دارید با بالش‌ها و حتی کاغذ دیواری با گل‌های همان رنگ تهیه می‌کنید.

ب - تخت خواب آهنی، صندلی‌های راحتی و خلاصه سعی می‌کنید وسایل مورد علاقه خود را به سبک هندی‌ها در اتاق جمع کنید.

ج - تعدادی قاب عکس و تابلو نقاشی اثر نقاشان معروف و یک فرش اصیل و بسیار زیبا.

د - تعدادی قوطی‌های نقاشی شده، یک میز منبت‌کاری شده و یک آباژور سیاه.

(اطلاعات، ۲۱ بهمن ۱۳۷۶، ص ۵)

در این پرسشنامه گزینه الف طوری ترجمه شده که سؤال مطرح شده را به صورت یک جمله کامل درمی‌آورد. گزینه ب موجب تشکیل جمله‌ای غلط و ناقص می‌شود و دو گزینه ج و د اصلاً منجر به تشکیل جمله نمی‌شوند.

توجه داشته باشیم که خواننده این پرسشنامه‌ها اکثراً جوانانی‌اند که هنوز تسلط آن‌ها بر زبان فارسی انسجام نیافته است و این چنین الگوهای زبانی ناپسندیده، قطعاً اثرات مخربی بر زبان نسل جوان برجای خواهد گذاشت.

نقش مثبت زبان انگلیسی

این مقاله صرفاً برای برشمردن اثرات منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی نیست. در حقیقت اگر شاهد وجود اثرات منفی ناشی از ترجمه ضعیف و تنبلی ژورنالیست‌هاییم، اما جنبه‌های مثبت زیادی نیز در زبان انگلیسی وجود دارد که می‌تواند در غنای زبان فارسی بسیار مؤثر باشند، ولی حیف که کسی زحمت آن‌ها را بر خود هموار نمی‌کند. در اینجا به چند نمونه از این جنبه‌های مثبت زبان انگلیسی اشاره می‌شود.

از نظر ظاهری متون مطبوعاتی انگلیسی زبان نسبت به نوشته‌های فارسی معمولاً منسجم‌تر و اغلب با رعایت دقیق‌تر اصول نگارش نوشته می‌شوند. از جمله این اصول توجه به علائم نشانه‌گذاری یا سجاوندی^۳ است که در درک مطالب نوشته شده اهمیت فراوانی دارند، زیرا در هنگام سخن گفتن، عواملی از قبیل لحن کلام و اشاره‌های دست و سر و امثال آن، گوینده را در انتقال مقصودش یاری می‌کنند، اما از آنجا که این عوامل در نوشته غایبند، گاهی در کلام ابهام ایجاد می‌شود، علامت‌های نشانه‌گذاری که از زبان‌های غربی وارد زبان فارسی شده‌اند، در درجه نخست برای رفع این ابهام و برای روان خواننده شدن نوشته وضع گردیده‌اند، ولی به نحوی ناقص و غیر یکنواخت استعمال می‌شوند. کمتر کسی است که بداند در کجا باید از علائم () ، () ، (؛) استفاده کند. در مورد علائم نقل قول در اکثر مواقع این علائم در شروع مطلب نقل شده وجود دارد، ولی نویسندگان ما اغلب فراموش می‌کنند که در پایان مطلب نیز لازم است تمام شدن مطلب نقل شده را با بستن علامت نقل قول مشخص سازند که این امر موجب گمراهی خواننده می‌شود. البته با کمال تأسف باید گفت که بسیاری از خوانندگان ما هم چندان توجهی به این علائم ندارند، تا درست یا نادرست بودن آن برایشان مهم باشد. این علائم همچون علائم راهنمایی و رانندگی‌اند که برای اکثریت رانندگان ما که به این علائم بی‌توجهند، درست یا غلط نصب شدن آن‌ها از اهمیت چندانی برخوردار نیست. بنابراین مطبوعات و به ویژه مترجمانی که بیشتر با این

علائم در تماس‌اند، باید بکوشند تا با کاربرد صحیح این علائم در نوشتار خود سرمشقی برای دیگران باشند. از نظر محتوایی، عناوین و تیرهای مطبوعاتی انگلیسی زبان سرشار از صناعات ادبی و زبانی است که ایجاد جذابیت خاصی برای خوانندگان می‌کند. از جمله این صناعات می‌توان از ایهام نام برد. کتاب معروف اسپالسکی به نام *The Measured Words* می‌تواند مثال خوبی برای کاربرد ایهام در عناوین باشد، زیرا دارای چندین معنی است. از دیگر صنایع زبانی رایج در زبان مطبوعاتی انگلیسی بازی با کلمات است که گاهی در املاء و گاهی در تلفظ کلمات تغییرات جزئی می‌دهند تا معنی و مفهوم خاصی را به خواننده القا کنند، مثل: *India's Nuclear Policy Unclear*, *Eurocrat*, *Bootifwl*. استفاده از سجع و سجع ابتدایی^۴ و دیگر صناعات ادبی که ایجاد جذابیت زبانی می‌کنند، همچون تلمیح و تضاد به وفور در متون مطبوعاتی انگلیسی زبان یافت می‌شود که برای پیشگیری از اطاله کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

نتیجه‌گیری

تعامل و ارتباط زبان فارسی با زبان انگلیسی در دنیای امروز غیرقابل اجتناب است. در هر تعاملی باید تأثیر متقابل را نیز انتظار داشت. بنابراین تأثیر زبان انگلیسی بر زبان فارسی امری طبیعی است و جای هیچگونه نگرانی ندارد. آنچه موجب اثرات مخرب بر زبان فارسی است، عدم مهارت و تسلط کافی بعضی از مترجمان است و گرنه زبان انگلیسی می‌تواند باعث غنی‌تر شدن زبان شیرین فارسی نیز شود.

منابع

- ۱- اطلاعات، ۱۳۷۶، ۲۱ بهمن.
- ۲- برادران، عبدالله و خوانساری، ثریا، *اصول و مبانی نظری ترجمه*، ویرایش دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- بازارگادی، علاءالدین، *اصول و روش ترجمه*، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۴- *پیام آشنا*، ص ۷، سال دوم، شماره ۳۵، نیمه دوم، دی ۱۳۷۵.
- ۵- خزایی فر، علی، *مترجم*، آستان قدس، ۱۳۷۱.
- ۶- رشیدی، غلامرضا، *ترجمه و مترجم*، به نشر، مشهد، ۱۳۷۸.
- ۷- صفارزاده، طاهره، *اصول و مبانی ترجمه*، نشر همراه، ۱۳۸۰.
- ۸- لطفی‌پور ساعدی، کاظم، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
- 9- Roberts, Roda Translation in Kaplan R. (Ed.) *The Oxford Handbook of Applied Linguistics* OUP 2002 pp 429-442.